

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب^{۴۳۷}

سید علی حسینی قمصری^{۴۳۸}

مسعود بهرامیان^{۴۳۹}

چکیده:

سلفیه جریانی است که در جهان اسلام ذهن افراد بسیاری را درگیر خود کرده است. این جریان دارای تعالیم و ویژگی‌هایی است که همواره سعی کرده بدان‌ها پایبند باشد. اما تحت شرایطی خاص رهبران این گروه یا احزابی که منتسب به این جریان هستند، تاحدودی از این تعالیم دچار انحراف شده‌اند. نمونه آشکار، جریان سلفیه در مصر است که با ورود به عرصه سیاسی تغییراتی را تجربه کرد و با عدول از برخی اصول مسلم خود، انعطاف‌پذیری قابل توجهی با شرایط سیاسی از خود نشان داد. **واژگان کلیدی:** سلفیه، دکترین، سیاست، مصر.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

^{۴۳۷} این مقاله ترجمه ای است از «EGYPTIAN SALAFISM IN REVOLUTION»، نوشته «

JACOB HØIGILT» و «FRIDA NOME»، «Journal of Islamic Studies» <http://jis.oxfordjournals.org>.

«Islamic Studies 25:1 (2014) pp. 33–54»

^{۴۳۸} کارشناس ارشد تاریخ اسلام، کتابدار کتابخانه قمصر، اداره کل استان اصفهان، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

astali1359@yahoo.com

^{۴۳۹} دانشجوی دکتری تاریخ اسلام bahramian@motahari.ir

مقدمه

رل میجر^{۴۰} در نوشته معیارش در مورد سلفی‌گری تصریح می‌کند که ارتباط سلفیه با سیاست به شدت گیج‌کننده و جذاب است. مشکل اصلی نوسلفی‌گری این است که چگونه در دنیای سیاسی به صورت غیرسیاسی عمل کند^{۴۱}. اولین عبارت او مشخصاً در مصر امروز قابل مشاهده است؛ در عین حال می‌توان اینگونه گفت که مشکل اصلی سلفی‌گری مصر در حال حاضر چگونگی عملکرد آن از لحاظ سیاسی است. ورود ناگهانی و چشمگیر جنبش سلفی در صحنه سیاسی مصر بدون شک بر سیاست‌های این کشور تأثیر خواهد گذاشت.

پرسش اصلی که در اینجا مطرح شده این است که چگونه سیاست‌زدگی سلفی‌گری، این جنبش را تغییر داد و چگونه بر نظریه‌های معاصر در حوزه اسلام‌گرایی به صورت عام و سلفی‌گری به صورت خاص تأثیر داشته است؟

به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، ما معنای علمی رایج سلفی‌گری را ارائه می‌کنیم، که با یک بررسی کوتاه از تغییر و تحول سلفی‌گری به عنوان یک جنبش اجتماعی ادامه پیدا کرده است. پس از آن چشم‌انداز سیاسی تفکر سلفیه در حال حاضر و ارتباط آن با دیگر بازیگران را ترسیم می‌کنیم و یافته‌هایمان را با معنای رایج علمی از سلفی‌گری مقایسه می‌کنیم. براساس اظهارات سلفی‌ها و تجربیات پس از انقلاب مصر، ما استدلال می‌کنیم که جنبش سلفیه سازگاری قابل توجهی با شرایط سیاسی ماقع در مصر داشته، و اینکه این انعطاف‌پذیری، دیدگاه پذیرفته شده از سلفی‌گری به عنوان یک جریان الهیئت‌محور را به چالش کشیده است.

روش ما در این مطالعه ترکیبی از مشاهده مشترک، مصاحبه‌ها و پژوهش‌های مبتنی بر متن است. در طول سفرهای مکرر به مصر در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ م، با فعالان مردمی و سخنگویان برجسته در مورد سازمان‌های سلفی در قاهره و اسکندریه مصاحبه کردیم. همچنین نمازهای جمعه‌ای که خطبه‌های آن را واعظان سلفی در هر دوی این شهرها ایراد کرده‌اند، مورد توجه قرار داده‌ایم و در نشست‌های گروه مطالعاتی زنان در شعبه مرکزی حزب النور، در

^{۴۰} Roel Meijer

^{۴۱} Roel Meijer (ed.), **Global Salafism: Islam's New Religious Movement**, London: Hurst & Company, 2009, Introduction, p 17.

اسکندریه حضور پیدا کرده‌ایم. علاوه‌براین، ما با ناظران عینی‌ای که این جریان را دنبال می‌کرده‌اند و وابستگی نزدیکی با مدعیان سیاسی سلفیه جدید داشته‌اند، ملاقات کرده‌ایم. در نهایت، گزارش‌های روزنامه‌ها، کتاب‌ها و اعلامیه‌های نوشته‌شده توسط سلفی‌های مصر و مطالعات کمترشناخته‌شده مصری از جنبش سلفیه، بخش مهمی از اطلاعات ما را صورت بخشید. آخرین سفر میدانی برای این مقاله در ژانویه ۲۰۱۲ م. صورت گرفت.

تعالیم سلفیه و سلفی‌گری در مصر

در اغلب بررسی‌ها، سلفی‌گری گرایشی اسلامی است که آگاهانه تلاش می‌کند تا در نهایت دقت ممکن، اصول و سیره پیامبر و مسلمانان صدر اسلام را پیاده‌سازی کند. سلفی‌ها بر یگانگی خداوند (توحید)، جایگاه منحصربه‌فرد قرآن، سنت و السلف الصالح (نسل اولیه مسلمانان پرهیزگار)، به‌عنوان داوران نهایی در هر مسئله شرعی و اجتماعی تأکید زیادی دارند. با این حال، منشأ و خاستگاه سلفی‌گری نامشخص است و برای مدت زمانی طولانی مورد مباحثه و مناقشه بوده است. در یک مقاله انتقادی جدید، لائوزیر^{۴۴۲} استدلال می‌کند که: «اگرچه مفهوم خاصی از اسلام است که در حال حاضر تحت عنوان سلفیه قرار می‌گیرد و سرمنشأ آن صراحتاً در سده‌های میانه است، ولی قطعاً آن‌گونه نیست که این عقیده پیش از قرن بیستم وجود داشته است.»^{۴۴۳} او همچنین اشاره می‌کند که در مباحثات مسلمانان از ۱۹۲۰ م.، سلفیه در بهترین شکل ساختار مفهومی در حال تولد بود؛ درحالی‌که پیش از آن، آنقدر مبهم بود که نتوان دقیقاً آن را درک و توصیف کرد.^{۴۴۴} آخرین نظر لائوزیر فراتر از بحث درمورد اصطلاحات علمی اهمیت دارد و ما با نزدیک شدن به پایان این مقاله، کوتاه به آن بازخواهیم گشت.

با این حال، این واقعیت وجود دارد که در جهان اسلام معاصر، جریانی وجود دارد که دیگران آن را تحت عنوان سلفیه تعریف کرده‌اند؛ و اعضای آن از این اصطلاح برای توصیف

^{۴۴۲} Lauzie're

^{۴۴۳} Henri Lauzie're, 'The Construction of Salafiyya: Reconsidering Salafism from the Perspective of Conceptual History', **International Journal of Middle East Studies**, 42/3, 2010, Pp 369–89, at 384.

^{۴۴۴} Ibid, 385.

خودشان استفاده می‌کنند؛ ابن تیمیه را به واسطهٔ محمدبن عبدالوهاب، به‌عنوان پایه‌گذار فکری و عقلی خود قلمداد می‌کنند و چنین بیان می‌کنند که رهبران مذهبی، از عقاید نوگرا اجتناب می‌کنند و بر معنای تحت‌اللفظی [مفاهیم] اصرار دارند؛ و درک منحصر به فردی از قرآن و سنت دارند^{۴۴۵}. یکی از مراکز قدرت این جریان عربستان سعودی است و سلفی‌گری از آنجا از سال ۱۹۷۰ م، در تعدادی از کشورها و نه فقط مصر گسترش یافته است. به‌تازگی این روند مورد توجه پژوهشی قرار گرفته و قرار بر این شده است که برای تعریف و توضیح آن تلاش شود. در بهترین تعریفی که در حال حاضر در دسترس است، هیکل^{۴۴۶} اشاره می‌کند که خدانشناسی مهم‌ترین ویژگی سلفی‌گری است و توحید مهم‌ترین خصیصهٔ خدانشناسی است.

هیکل شش عقیدهٔ اصلی دینی را که مختص سلفیه است نام می‌برد: بازگشت به شیوه‌ها و اعتقادات معتبر گذشته، توحید، مبارزهٔ بی‌وقفه با بی‌ایمانی، [پذیرفتن] قرآن و سنت به‌عنوان تنها منابع معتبر مذهبی و ذی‌صلاح، رهایی اسلام از خلاقیت و نوآوری‌های بدعت‌آمیز، و اعتقاد به این که پاسخ‌های ویژه برای تمام سوالات در قرآن و سنت یافت می‌شود^{۴۴۷}. طبق نظر هیکل، تمرکز بر تفاوت‌های دینی در مقابل انحصارهای شرعی مهم است؛ چراکه الهییت در اسلام، اغماض برای تعدد مراجع قانونی همسان را نمی‌پذیرد و بدیهی است در اختلاف عقاید تنها یک دیدگاه درست است؛ بر این اساس است که محروم و طرد کردن طرفداران عقاید دیگر ممکن می‌شود.^{۴۴۸} آموزه‌های سلفی به‌عنوان تعالیمی ساده و غیرقابل انعطاف توصیف شده است. نظر به اظهارات گوین^{۴۴۹}: «نوسلفی‌گری جهان‌بینی‌ای به مسلمانان ارائه می‌دهد که چکیده‌ای از عقاید و اعمال مؤمنان اولیه در یک برنامه آموزشی است.»^{۴۵۰}

⁴⁴⁵ E.g. Mustafa Hilmi, **Qawaid al-manhaj al-salafi f; l-fikr al-Islami** (The Foundations of the Salafi Method in Islamic Thought), Alexandria: Dar al-Khulafa al-Rashidun, 985; 1991, 2010, Pp 161–5 (in Arabic).

⁴⁴⁶ Haykel

⁴⁴⁷ Bernard Haykel, 'On the Nature of Salafi Thought and Action' in Meijer(ed.), **Global Salafism**, Pp 38-9.

⁴⁴⁸ Ibid, 41–2.

⁴⁴⁹ Gauvain

⁴⁵⁰ Richard Gauvain, 'Salafism in Modern Egypt: Panacea or Pest?', **Political Theology**, 11/6, 2010, Pp 802–25, at 805.

طبیعت ساده آموزه‌های سلفی و توانایی آن، به دلیل پایبندی محض آن به متن مقدس، باعث می‌شود این آموزه‌ها همواره عرصه معنوی وسیعی را به خود مشغول کنند. این عوامل جریان سلفیه را برای بسیاری جذاب می‌کند و تاحدی موفقیت جهانی توسعه سلفیه را توضیح می‌دهد. همچنین تصویری از سلفی‌گری را تقویت می‌کند؛ به‌ویژه از جریان سعودی وهابی، به‌عنوان یک جریان متعصب و استثنایی. در نظر میجر، برخورد خصمانه با هر نوع جریان و آموزه دیگر یکی از مشخصات وهابیت مدرن است: تحت تأثیر وهابیت، حالت بیگانه‌هراسی نسبت به خارجی‌ها و فرقه‌گرایی سلفیه نسبت به مسلمانان غیروهابی تقویت شده است. بر اساس اصل تولی و تبری، مسلمانان طبق فاصله‌شان از مسلمانانی که پایبند به وهابیت نبودند، نام‌گذاری می‌شدند. مؤمن واقعی تنها می‌تواند اعتقاد خود را بیان و صداقت ایمانش را با دشمنی آشکار نسبت به بت‌پرستان اثبات کند.^{۵۱} در وضعیتی مشابه، سلفی‌گری در پیشینه تاریخی‌اش، به‌عنوان دشمن افراطی تشیع و مسیحیان تعریف شده است. مواضع دینی غیرقابل‌انعطاف آن نیز، متأثر از مفاهیم سیاسی است. میجر اشاره می‌کند که سلفی‌گری همواره به عقیده، قبل از سیاست اولویت می‌دهد؛^{۵۲} در نتیجه، واژگان سیاسی آن به همان اندازه ضعیف توصیف شده است. او توضیح می‌دهد: «در جایی که سیاست به یک شکل از مجادله تبدیل شده، همچنان که سلفی‌گری در مصر است، [...] آن سیاست کارساز نیست.»^{۵۳} وقتی که عقیده درگیر سیاست می‌شود، اغلب در تلاش‌هایش شیوه‌ای قاهرانه اتخاذ می‌کند تا واقعیت را مطابق اصول سلفیه تغییر دهد؛ به‌ویژه در شکلی که اصطلاحاً جهادگرایی و یا فعالیت‌های چریکی نامیده می‌شود. شکل اخیر یعنی عمل‌گرایی، وابستگی تنگاتنگی با مفهوم «حسبه» دارد که به موجب آن مسلمانان وظیفه دارند به شایستگی و درستی امر کنند و از بی‌عدالتی و اشتباه منع کنند (امر به معروف و نهی از منکر)^{۵۴}. این شیوه عمل به‌واسطه عربستان سعودی معروف است؛ زیرا برای آن، از طرف حکومت ضمانت اجرایی قرار داده شده است؛ و مصر، که در آن

^{۵۱} Meijer (ed.), *Global Salafism*, 'Introduction', 10.

^{۵۲} Ibid, 18.

^{۵۳} Ibid, 22.

^{۵۴} Ibid, 11, 25.

فضای عمومی و محصولات فرهنگی تحت کنترل متولیان مذهبی‌ای قرار داشت که از طرف حکومت در سال ۱۹۹۰ م. منصوب شده بودند.^{۴۵۵} سلفی‌ها، و یا طبق عبارت روی^{۴۵۶}؛ نوپنیا‌دگرایان، همچنین به‌عنوان کسانی که نسبت به حد و مرزها وسواس دارند، توصیف شده‌اند.^{۴۵۷} آنها کسانی هستند که بیشتر بر ظاهر و کار سخت و دشوار تکیه دارند، تا خودشان را از مسلمان و غیر مسلمان متمایز کنند و یک هویت قوی از خود عرضه بدارند.^{۴۵۸}

میجر بر افزایش مشارکت سیاسی میان سلفی‌ها اذعان دارد، اما استدلال می‌کند که دخالت و مشارکت آشکارای گروه‌های سلفی در سیاست، بیشتر بر اسلام‌گرایی (اسلام سیاسی) اخوان المسلمین و به‌عنوان نمونه بر «جماعت الاسلامیه مصر» سایه افکنده است.^{۴۵۹} به همین نحو، در طبقه‌بندی هیکل از سلفی‌گری به سه گرایش مختلف - از جمله سلفیه جهادی، سلفیه انقلابی (فعالان سیاسی) و دسته آخر سکوت‌گرایان (سلفیه علمی) - او طرز تفکر سلفیه انقلابی را با اخوان المسلمین مشابه می‌داند؛ زیرا اخوان المسلمین به دنبال این‌اند که بر اصلاحات سیاسی تأثیرگذار باشند و در آرزوی دستیابی به قدرت سیاسی هستند.

او اشاره خاصی به ایدئولوگ مصری مقیم کویت، عبدالرحمن عبدالخلیق دارد که از تشکیلات سلفی‌ها برای رسیدن به قدرت و نفوذ سیاسی حمایت می‌کند.^{۴۶۰}

ما امروز هنگام بررسی وضعیت سلفی‌گری در مصر، کدامیک از خصوصیات برجسته و گرایش‌های آن را طرح می‌کنیم؟

با مراجعه به احزاب سیاسی که در حال حاضر به‌گونه‌ای هویت سلفی دارند، و اساسشان ترکیبی از سلفیه انقلابی و سلفیه علمی است، مشخصه سلفی‌گری مصر امروز چیست؟

گرایش‌های سلفیه در مصر

⁴⁵⁵ Salwa Ismail, **Rethinking Islamist Politics: Culture, the State and Islamism**, London: I.B. Tauris, 2003, Pp 62–80.

⁴⁵⁶ roy

⁴⁵⁷ Olivier Roy, **Globalised Islam: The Search for a New Ummah**, London: Hurst & Co., 2004, P 36.

⁴⁵⁸ Meijer (ed.), **Global Salafism**, Introduction, P 14.

⁴⁵⁹ Ibid, P 17.

⁴⁶⁰ Haykel, 'On the Nature of Salafī Thought and Action', Pp 48–49.

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۷۷

سلفی‌گری مصر در دو مرحله متفاوت ظاهر شد. نفوذ آرام اولین گرایش که تقریباً فقط در بخش‌های مطالعات و آموزش درگیر بود و ریشه‌های آن به قرن نوزدهم باز می‌گردد. تمرکز این مقاله بر گرایش دوم است که در سال ۱۹۷۰ م. پدیدار شد و توسط برخی از ناظران، سلفیه جدید نامیده می‌شوند.

اولین گرایش که توسط دو سازمان که هنوز هم فعال هستند، ارائه شد: جمعیت شرعیه عاملین به کتاب و سنت (انجمن قانونی معتقدان به کتاب و سنت) و جماعت انصار السنه محمدیه (جامعه حامیان سنت محمدی). جمعیت شرعیه در سال ۱۸۹۰ م. تأسیس شد و به‌طور رسمی در سال ۱۹۱۳ م. به ثبت رسید. این جمعیت از آغاز از سیاست دور نگه داشته شد و به جای آن، بر مبارزه با بدعت (نوآوری در عقیده و یا عمل عبادی) و تقلید از پیامبر (ص) و اصحاب او متمرکز شد؛ یعنی دو ویژگی سنتی سلفی‌گری که به‌طور معمول قابل درک بود. هم‌زمان، دو مجله «اعتصام»^{۴۶۱} و «تبیان» به سازمان پیوستند و چنین تلقی می‌شود که تاحدی سیاسی و الهام‌گرفته از ایدئولوژی اخوان المسلمین باشند.^{۴۶۲} ناظران همچنین چنین قضاوت می‌کنند که جمعیت شرعیه با اخوان المسلمین روابط دوستانه دارند.^{۴۶۳}

انصار السنه محمدیه که در سال ۱۹۲۶ م. تأسیس شد، در نقد تصوف نسبت به جمعیت شرعیه شدیدتر برخورد می‌کرد و از آغازش عناصری از یک ماهیت سیاسی به نمایش گذاشته بود (منشور آن اصرار دارد که دولت باید مطابق شریعت عمل کند و این تنها راه حل و فصل بحران امت اسلامی است). با این حال بیشتر به سمت حوزه دینی متمایل بود تا حوزه سیاسی.^{۴۶۴}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^{۴۶۱} هم اکنون منسوخ شده است.

^{۴۶۲} Abd al-Munim Munib, *Kharitat al harakat al-islamiyya fi Misr* (Map of the Islamic Movements in Egypt), Cairo: The Arabic Network for Human Rights Information, 2009, P 26: <http://www.anhri.net/reports/islamic-map/>. (Last accessed: 5 June 2013.)

^{۴۶۳} Interview with Dr. Dina Shehata, al-Ahram Center for Political and Strategic Studies, Cairo, 7 April 2011.

^{۴۶۴} Munib, 'Map of the Islamic Movements in Egypt', P 28.

هر دو گرایش جریان جمعیت شرعیه و انصار السنه محمدیه، ویژگی‌های چشم‌انداز اسلامی مصر را به‌خوبی برقرار ساختند. گستردگی آنها تابع حدس و گمان است، اما آنها احتمالاً خیلی بزرگ نیستند؛ اعضای فعال آنها را می‌توان ده‌ها هزار نفر برآورد کرد.^{۴۶۵}

جریانی که به‌تازگی باعث پیدایش تعدادی از احزاب سیاسی شده، جنبش نوسلفی است که اغلب به سه بخش تقسیم شده است که اساس همه آنها در تحول و انشعاب از جنبش‌های اسلام‌گرا در ۱۹۷۰ م. است؛ یعنی زمانی که متعلمان اسلامی مصر به جهت‌های مختلفی رفتند، که تاحدی بر مبنای عوامل جغرافیایی و تاحدی بر مبنای عوامل ایدئولوژیک پایه‌گذاری شده بودند. بزرگ‌ترین و بدون شک بانفوذترین گروه، امروز و تا زمان اخیر، جنبش معتدل سلفی اهل سکوت است که در سال ۱۹۷۰ م. در اسکندریه شکل گرفته است. در همان دوره زمانی، جنبش‌های غیرخسونت‌آمیز مشابه رشد کرد، اما بیشتر جنبش‌های سلفی سیاسی در قاهره متمرکز شده بود. در نهایت، در مصر جنوبی، یک جنبش سلفی خسونت‌گرا به وجود آمد. این جریان است که در قالب سه حزب النور، الاصله (اصلیت و صحت) و البنا و التنمیه (ساخت و توسعه)، مدت کوتاهی پس از انقلاب وارد سیاست شد.^{۴۶۶}

گرایش اصلی سلفی‌گری در اسکندریه، تحت عنوان «الدعوت السلفیه» شناخته شده که در میان جریان‌های سلفی نوگرای مصر از بیشترین نفوذ برخوردار است.^{۴۶۷} با این حال، محققان غربی کمتر به آن توجه کرده‌اند. این احتمالاً به دلیل موقعیت محیطی آن است که خارج از محدوده پایتخت قرار دارد.^{۴۶۸} این گرایش وابستگی نزدیکی با «یاسر البرهامی» واعظ دارد و

^{۴۶۵} Ibid, 26–8.

^{۴۶۶} See Ahmad Zaghlul Shalata, *al-Hala al-salafiyya al-muasira fi Misr*, The State of Contemporary Salafism in Egypt, Cairo: Maktabat Madbuli, 2011, 201–63; Munib, 'Map of the Islamic Movements in Egypt'.

^{۴۶۷} See for example Omayma Abdel-Latif, 'Trends in Salafism', in Michael Emerson, Kristina Kausch, Richard Youngs (eds.), *Islamist Radicalisation: The Challenge for Euro-Mediterranean Relations*, Brussels: Centre for European Policy Studies; and Madrid: FRIDE, 2009, P 77; and Ibrahim El-Houdaiby, 'Islamism Now', *Cairo Review*, 6, 2012, Pp 130–49, at 134.

^{۴۶۸} See for example Meijer, *Global Salafism and Gauvain*, 'Salafism in Modern Egypt', who have done extensive studies of Salafism in Egypt, but without drawing attention to trends like al-Dawa.

به‌عنوان یک جریان در نیمه دوم سال ۱۹۷۰ م.، با تمرکز بر آموزش‌های مذهبی و عملگرایی اجتماعی، برای کاهش فقر و جهل تأسیس شده بود. الدعوت فاقد یک سازمان قوی همانند اخوان المسلمین بود؛ بلکه از شبکه‌هایی قابل شناسایی تشکیل شده که حول محور شیوخ سلفی و پیروان آنها متمرکز شده است. این گرایش به‌وسیله عملگرایان تحت عنوان «نهاد شیوخ» با هفتاد تا هشتاد واعظ توصیف شده است.^{۴۶۹} این شبکه‌ها در سراسر مصر وجود دارند، اما فقط در اسکندریه قوی و نظام‌مند هستند.

درحالی‌که سابقه‌ای طولانی از محبوبیت «واعظان سخنگو» در مصر وجود دارد (مانند شیخ کشک و عمر عبد الکافی)، ظهور تلویزیون ماهواره‌ای، اهمیت شبکه تلویزیونی واعظان سلفی را دو چندان کرد.^{۴۷۰} علاوه بر یاسر البرهامی، برخی از معروف‌ترین نام‌داران امروز، محمدحسن و محمدحسین یعقوب هستند. الرحمه اولین کسی بود که شخصاً صاحب یک کانال تلویزیونی شد. از طریق چنین ابزارهای پیشرفته‌ای، سلفی‌های جدید تأثیر قابل‌توجهی بر زندگی اجتماعی در مصر داشته‌اند و از بسیاری جهات به‌طور پیوسته محافظه‌کارتر شده‌اند.

حزب الدعوت توسط رژیم مبارک به‌عنوان یک وزنه تعادل در برابر اخوان المسلمین تحمل شد و تاحدی از آزادی برخوردار بود؛ درحالی‌که به دیگر اسلام‌گرایان چنین آزادی‌ای داده نمی‌شد. آن‌ها مورد سوءظن دیگر گروه‌های انقلاب بودند و این بدگمانی زمانی افزایش پیدا کرد که برخی از رهبران سلفی آشکارا و بی‌پرده، قبل از آن که آشکار شود که مبارک در حال سقوط است، علیه تظاهرات سخنرانی کردند.^{۴۷۱} آنها به‌صورت بسیار حیرت‌آور و بی‌پروا در بهار سال ۲۰۱۱ م. وارد حوزه سیاست شدند و امروزه مشارکت نزدیکی با بزرگترین حزب سلفی در مصر، یعنی حزب النور دارند. با توجه به گفته‌های محمد نور - سخنگوی حزب النور

⁴⁶⁹ Interview with Imad Abd al-Ghafur and Muhammad Nur, **Cairo**, 22 January 2012. At the time of the interview, they were, respectively, chair and spokesperson for Hizb al-Nur.

⁴⁷⁰ Nathan Field and Ahmed Hamam, 'Salafi Satellite TV in Egypt', **Arab Media & Society**, 2009, <http://www.arabmediasociety.com/?article=712>. (Last accessed: 17 October 2013.)

⁴⁷¹ See Hossam Tammam, 'Islamists and the Egyptian Revolution', **Egypt Independent**, 8 February 2011. Also: <http://www.egyptindependent.com/opinion/islamists-and-egyptian-revolution>. (Last accessed: 24 January 2013.)

- تمرکز اصلی جنبش سلفیه در اسکندریه، بر فعالیت در سطح توده مردم و دوری از سیاست است؛ چراکه آنها هیچ دید بازی برای مشارکت سیاسی ندارند.^{۴۷۲} با این حال و با وجود مخالفت‌های قابل توجه داخلی، ایده مشارکت سیاسی به آرامی در میان سلفی‌های اسکندریه رشد کرد و در نهایت هنگامی به ثمر رسید که عماد عبدالغفور - تاجر سلفی و از بنیانگذاران الدعوه - پس از چند سال اقامت در ترکیه در سال ۲۰۱۰ م. به مصر بازگشت.^{۴۷۳}

جریان سلفی نوسنت‌گرا که در درون مرزهای قاهره ظهور پیدا کرد، در منابع مصر به‌عنوان «سلفیه حرکتی» [انقلابی] شناخته شده است.^{۴۷۴} همانطور که از نام آن پیداست، این جریان به خاطر عمل‌گرایی بیشتر و سیاسی‌کاری، متفاوت از جریان الدعوت است. ظاهراً رهبران آن آشکارا مشروعیت رژیم مبارک را قبل از سقوط مورد سوال قرار دادند؛ اما بدون سازماندهی هرگونه اعتراض رسمی یا جنبش مقاومتی. مانند گروه‌های ذکرشده، سلفیه حرکتی کار خود را بر موعظه و آموزش متمرکز کرده بود. با این حال، آنها در اوایل انقلاب ۲۰۱۱ م. با یک چهره برجسته - شیخ محمد عبدالمقصود - با ورود به میدان‌های تحریر در ۲۸ ژانویه نسبتاً وارد درگیری شدند؛ یعنی همان روزی که اخوان المسلمین رسماً به این تظاهرات پیوست و برخی از جوان‌های عمل‌گرای آن، ظاهراً گروهی به نام «سلفی‌های التحریر» را تشکیل دادند.^{۴۷۵} این جریان یک حزب جداگانه سیاسی یعنی حزب الاصله (حزب الاصله) را تشکیل داد. این روند و حزب به‌وسیله دیگر سلفی‌ها، به‌عنوان جریانی که از بالا تا پایین مردمی است، توصیف شده

^{۴۷۲} Interview with Muhammad Nur, Cairo, 22 January 2012.

^{۴۷۳} Ste'phane Lacroix, 'Sheikhs and Politicians: Inside the New Egyptian Salafism', **Brookings Doha Center**, 2012, 3. See: http://www.brookings.edu/_/media/research/files/papers/2012/6/07%20egyptian%20salafism%20lacroix/stephane%20lacroix%20policy%20briefing%20english.pdf. (Last accessed: 23 January 2013.)

^{۴۷۴} See, for example, Munib, 'Map of the Islamic Movements', ch. 3.

^{۴۷۵} Information provided by Tamir Makki during an interview in **Cairo**, 24 January 2012. However, the group failed to make an impact in the public sphere, and its Facebook page does not suggest that the group has been particularly active: <http://www.facebook.com/slafy.althrer>.

است. این حزب از همان ابتدا به دلیل تفاوت‌های شخصی در رهبری مشکلات فراوانی را تجربه کرده است.^{۴۷۶}

رشد ابعاد سلفی در سال ۱۹۷۰ م. همچنین باعث ظهور سه گرایش شد که با روش خشونت‌آمیزشان در سیاست توصیف می‌شدند. «جمعیت الاسلامیه» مهم‌ترین نماینده این گرایش و تنها گروه سلفی است که به‌طور مستقیم و آشکار در فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب ۲۰۱۱ م. درگیر شد. این جریان در میانه و جنوب مصر پدید آمد، اما بیش از این که شعبه‌ای از سازمان‌های سلفی موجود باشد، الهام‌گرفته از تفکرات مسلمان رادیکال، سید قطب^{۴۷۷} بود. او کسی بود که یک دکترین نظامی براساس خوانش‌های سیاسی از تاریخ اوایل اسلام را بسط داد که توسط ثورسین پاکستانی - ابوالعلاء مودودی - منتقل شده بود. این گروه همراه با یک گروه انشعابی - جهاد اسلامی - مبارزه‌ای خشونت‌آمیز علیه رژیم مصر به راه انداخت و متهم بود که در ترور انور سادات به دست گروه جهاد اسلامی در سال ۱۹۸۱ م. دست داشته است.^{۴۷۸} رهبران این گروه دستگیر شدند و یا به خارج از کشور فرار کردند. در زندان تعدادی از رهبران جنبش پشیمان^{۴۷۹} شدند و در دکترین نظامی خود تجدید نظر کردند. در آن زمان، آن‌ها تلاش کردند تا یک حزب سیاسی تأسیس کنند، اما اجازه انجام این کار از سوی مقامات مصری به آن‌ها داده نشد. امروز اعضای این سازمان بار دیگر در قالب «حزب البنا و التمیمه» وارد سیاست مصر شده‌اند که سیزده کرسی در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ م. به دست آوردند، که آن را دومین حزب بزرگ سلفی پس از حزب النور ساخت.^{۴۸۰} این

⁴⁷⁶ Interview with Tamir Makki and Ahmad Makki of Hizb al-Asala, **Cairo**, 24 January 2012; and with Muhammad Nur of Hizb al-Nur, **Cairo**, 22 January 2012.

^{۴۷۷} اعدام‌شده در سال ۱۹۶۶

⁴⁷⁸ Gilles Kepel, **The Prophet and Pharaoh: Muslim Extremism in Egypt**, transl. Jon Rothschild; London: Al Saqi Books/Zed Books, 1985, 204-7; Fawaz Gerges, 'The End of the Islamist Insurgency in Egypt? Costs and Prospects', **Middle East Journal**, 54/4, 2000, P 592-612, at 593-4.

^{۴۷۹} اصطلاح توبه در رسانه‌های مصری استفاده شده بود.

⁴⁸⁰ Results of Egypt's People's Assembly Election—Egypt's Transition', **Carnegie Endowment for International Peace**, 25 January 2012. See: <http://egyptelections.carnegieendowment.org/2012/01/25/results-of->

حزب با وجود سابقه بسیار سازمان‌یافته و نظامی، خودش را به‌عنوان حزبی سلفی معرفی کرد و در همین سمت توسط دیگر مدعیان سلفی پذیرفته شده است.

یک جنبش در تلاطم تغییر

اگرچه جریان سلفیه در مصر هنوز هم در میانه هرج و مرج روند سیاسی است، اما روشن است که ورود آن به عرصه سیاست به تنش‌ها و تغییرات در دو سطح فکری و عملی منجر شد. عدم تجربه در سیاست‌های حزبی، چالش در تنظیم برنامه‌های سیاسی و معامله با سیاست‌های روزمره، همه اینها حالتی را بر جنبش مستولی می‌کند که تاکنون آن را به اجتناب از درگیری سیاسی کشانده است. فرایند نهادینه‌سازی، حرکت به دور از آرامش و در نهایت عمل‌گرایی که در سیاست‌های سازمان‌یافته بدان نیاز است، ممکن است اختلاف بین احزاب و فاصله آنها با سایر بازیگران سیاسی را کاهش دهد؛ اما هم‌زمان بین احزاب سلفی و جنبش سلفی مردمی که از آن پدید آمده، شکاف‌هایی به وجود آورده است. در این بخش ما در ابتدا روابط بین این سه حزب سلفی قانونی که در مصر، مدت کوتاهی پس از انقلاب (۲۰۱۱-۲۰۱۲) وجود داشته‌اند، را بررسی می‌کنیم و سپس به سوال پیچیده‌تر تنش‌ها در جریان سلفیه به‌طور کلی، به‌عنوان نتیجه ورود آن به سیاست‌های سازمان‌یافته، می‌پردازیم.

از زمانی که سلفی‌ها دیدگاه‌های اصلی دینی و اجتماعی خود را به نمایش گذاشتند و با توجه به این دیدگاه‌ها برای ترویج تغییرات در جامعه مصر با یکدیگر کار کردند، ممکن است سلفی‌گری در مصر به‌عنوان یک جنبش اجتماعی توصیف شود.^{۴۸۱} در واقع، هر کسی که در این پژوهش از او صحبت کرده‌ایم، بر وجود خودش به‌عنوان بخشی از این جنبش اصرار داشته است. با این حال، همان‌طور که در بالا اشاره شد، در طول یک سال بعد از انقلاب، سه حزب سلفی سیاسی از این جنبش منشعب شدند. آنها از سه منطقه و مدار مختلف سرچشمه می‌گرفتند. حزب النور که بر اساس حزب الدعوت یعنی سکوت‌گرایان شکل گرفته بود، از اسکندریه ظهور کرد. حزب الاصله که مقر آن در قاهره است؛ جایی که مخالفت آشکارتری با

egypt%e2%80% 99s-people%e2%80%99s-assembly-elections. (Last accessed: 6 June 2013.)

⁴⁸¹ Ralph H. Turner and Lewis M. Killian, **Collective Behavior**, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 3rd edn., 1987, 223.

رژیم مبارک داشت. و البنا و التنمیه که به‌طور مستقیم بر روی جماعت الاسلامیه و تاریخ پُرخشونت آن در مرکز و جنوب مصر بنا شده بود.

به گفته سیاست‌مداران سلفی، تفاوت‌های بین این سه حزب کوچک‌اند و شایان ذکر نیستند. آن‌ها همفکری متقابل و اثرگذاری ندارند و ماهیت ایدئولوژیک آن‌ها را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. به‌عنوان مثال، تامیر مکی، سخنگوی حزب الاصله، بیان کرد که حزب او و حزب النور رویکرد و شیوه مشابهی دارند و بر بنیان‌های ثابتی قرار گرفته‌اند؛ اما حزب النور وابسته به حزب الدعوت است که اهل اسکندریه و سازمان‌یافته‌ترند.^{۴۸۲} ناظران علمی و فعالان سیاسی بر این دیدگاه صحه گذاشته‌اند که تفاوت‌ها نسبت به ایدئولوژی قابل‌توجه نیستند.^{۴۸۳} این سه حزب قطعاً توانایی ارائه تصویری از یک هدف مشترک و همکاری در انتخابات سال ۲۰۱۱ م. را ندارند. به‌عنوان مثال، عملگرایان حزب النور، حزب الاصله و حزب البنا و التنمیه یک مبارزه انتخاباتی برای تمیز کردن خیابان‌های استان سوئز آغاز کرده‌اند تا همبستگی متقابل و تعهد به مناطق کمتر توسعه‌یافته مصر را به نمایش بگذارند.^{۴۸۴}

با این حال، به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ م. شکاف‌هایی در این تصویر پدید آمد و ناظران مصری جدایی بین میان‌روها و افراط‌گرایان را پیش‌بینی می‌کنند. آن‌ها فکر نمی‌کردند که این جنبش تا زمانی که از لحاظ سیاسی نابالغ است، بتواند پس از ورودش به

^{۴۸۲} Interview with Tamir Makki, **Cairo**, 24 January 2012.

^{۴۸۳} Interview with associate professor of political science, Dr. Abd al-Fattah Madi, **Alexandria University**, 21 January 2012, and Ibrahim El-Houdaiby, **Cairo**, 24 January 2012. See also Omayma Abdel-Latif, 'More Alternatives', **Ahram Weekly**, 9 January 2013, <http://weekly.ahram.org.eg/Print/963.aspx>. (Last accessed: 29 January 2013.)

^{۴۸۴} Hamalat nazaatin yaquduha, **Hizb al-Nur wa-l-Asala wa-l-Bina wa-l-Tanmiya fi muhfazat al-Suwis bi-tarikh** 31/12/2011 (A renovation campaign led by al-Nur, al-Asala and al-Bina wa-l-Tanmiya parties in Suez province on 31/12/2011), 2012: http://www.youtube.com/watch?v=UMKq9VqYVcg&feature=youtube_gdata_player. (Last accessed: 6 June 2013.)

سیاست متحد باقی بماند. به این دلیل که آن‌ها می‌گویند هیچ تفاوتی بین احزابی که اعضایشان هیچ شناختی نسبت به برنامه‌های حزب خود ندارند، وجود ندارد^{۴۸۵}.
عبد الفتاح مدی استادیار علوم سیاسی در دانشگاه اسکندریه و کارشناس جنبش سلفیه مصر موافق است که:

مردم نمایندگان را براساس عملشان انتخاب نمی‌کنند، بلکه پرسش از هویت در حال حاضر مهم‌تر از عمل آن‌هاست. نمایندگان حزب النور توسط خانواده، دوستان و آشنایان که وسیعاً بسیج شدند، انتخاب شدند.^{۴۸۶} اما با این وجود روشن است که سیاستمداران سلفی برای یادگیری سریع بازی سیاست، مشتاق‌اند؛ به طوری که آن‌ها از دانشگاهیان در اسکندریه و قاهره خواسته‌اند به آن‌ها در مورد فرایندها و سیستم‌های سیاسی آموزش و مشاوره بدهند و به دنبال آگاهی از نحوه تدوین یک برنامه سیاسی هستند.^{۴۸۷}

اما برخلاف اسلام‌گرایان در اخوان المسلمین، سلفی‌ها هیچ سابقه‌ای به‌عنوان یک سازمان استوار و منظم ندارند. هم‌راستا با طرفداران عمومی سلفی‌گری که غیرسازمان‌یافته بودند، سلفی‌گری مصر به جای یک «حزب»، یک جبهه و یا یک جنبش گسترده متشکل از گروه‌های مختلف نامیده شده است.^{۴۸۸} این شرایط به سلفی‌ها هنگامی که برای انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۱ م. بسیج شدند، انعطاف‌پذیری و عملگرایی قابل توجهی عطا کرد. هنگامی که فعالان سلفی تصمیم به شرکت در انتخابات گرفته بودند، حتی در مناطقی که در آن شهرت چندانی نداشتند، به سرعت قادر به بسیج نامزدها شدند. با وجود عدم سابقه سیاسی و یا کاربست روش‌های سازمانی و سیاست‌های سازمان‌های استوار، مانند اخوان المسلمین، سلفی‌ها در استخدام افراد برجسته محلی که وابستگی قبلی با جنبش نداشتند، هیچ مشکلی نداشتند. آن‌ها

⁴⁸⁵ Interview with (name withheld) activist-intellectual and senior Muslim Brother member, **Cairo**, 24 January 2012. (In the period after the submission of this paper, the Nur party did split—in January 2013—into two factions.)

⁴⁸⁶ Interview with Dr. Abd al-Fattah Madi, **Alexandria**, 21 January 2012.

⁴⁸⁷ Interview with Egyptian academics who have been involved in this teaching and advisory activity, **Alexandria and Cairo**, January 2012 (names withheld to protect the sources). See also Lacroix, 'Sheikhs and Politicians', 3. (Last accessed: 29 January 2012.)

⁴⁸⁸ Interview with Khalid Hamza, **Cairo**, 23 January 2012.

به راحتی مردمی که مایل به پیوستن به حزب النور بودند را شناسایی می‌کردند تا نام نامزدهای حزب خود را در میان فهرست انتخاباتی، انتخاب کنند و از این طریق شانس خود را برای برنده شدن یک کرسی در پارلمان و احتمالاً نفوذ سیاسی و شخصی که به همراه داشت، افزایش می‌دادند. در مناطقی که هیچ وابستگی‌ای به الدعوه نداشتند، افراد را از گروه‌های اسلامی - نه لزوماً با گرایش‌های سلفی - که سابقاً مستقل و اکنون روبه‌زوال بودند، انتخاب می‌کردند.^{۴۸۹}

دکتر عماد عبداللطیف، دانشیار دانشگاه قاهره از فیوم که اوضاع سیاسی مصر را از نزدیک دنبال می‌کند، به ما گفت که یک تاجر ثروتمند در شهر خود برای اطمینان از نامزدی در لیست حزب، پنج میلیون پوند مصری به حزب النور پرداخت کرده بود. در صورتی که این تاجر سلفی نبود و فقط با مشاهده فرصتی خوب برای کسب و کار، به نامزدی در حزب اقدام کرده بود.^{۴۹۰} به این ترتیب، سلفی‌ها موفق به ارائه فهرست‌های انتخاباتی در تمام استان‌های مصر، به‌عنوان تنها نیروی سیاسی در کنار اخوان المسلمین شدند.

در عین حال، عدم کنترل باعث حوادث شرم‌آوری می‌شود که تهدیدی برای لکه‌دار کردن تصویر مومنانه‌ای است که سلفی‌ها آن را ترویج می‌کردند. یک مثال بسیار علنی، نماینده سلفی «انور البلکیمی» است که برای عمل جراحی زیبایی به یک بیمارستان خصوصی رفت. او به منظور سرپوش گذاشتن بر این کار لغو و بیهوده، پس از آن به بیمارستان دیگری رفت، بینی‌اش باند پیچی شد و ادعا کرد که به او حمله شده است و مورد سرقت چند زورگیر قرار گرفته است. این ادعای جعلی باعث شد بحث‌های عمومی شدیدی در مصر شکل بگیرد. زمانی که معلوم شد این داستان نادرست است و یک سیاستمدار سلفی به منظور سرپوش گذاشتن بر عمل جراحی پلاستیک خود با امنیت کشور بازی کرده بود، یک رسوایی خطرناک برای شهرت حزب النور به وجود آمد؛ به حدی که البلکیمی بی درنگ اخراج شد.^{۴۹۱} علاوه بر آن،

^{۴۸۹} Lacroix, 'Sheikhs and Politicians', 3. (Last accessed: 29 January 2012.)

^{۴۹۰} Interview with Dr. Imad Abd al-Latif, **Cairo University**, 23 January 2012.

^{۴۹۱} Egypt MP Quits over Nose Job Cover Up'. [Last modified, 6 March 2012], <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2012/03/201235224452570454>. html. (Last accessed: 4 June 2013.)

نام حزب النور نیز لکه‌دار شد؛ نماینده سابق مجلس - علی ونیس - به‌خاطر فعالیت جنسی زشت با یک زن بیست‌ودو ساله در یک ماشین پارک‌شده در یک بزرگراه ساحلی دستگیر شد. ونیس این اتهامات را رد و ادعا کرد که او پارک کرده بود؛ چراکه مسافر او مریض شده بود، اما بعد از آن گناهکار شناخته شد.^{۴۹۲}

یکی دیگر از تنش‌زاترین نتایج، مربوط به ساختار بی‌قاعده جنبش سلفی و سازمان آن است که بر محور نظرات شخصی شیوخ اداره می‌شود. در طول سال اول بعد از مبارک در مصر، تقریباً هر هفته نمونه‌هایی از اختلافات میان سیاستمداران و شیوخ سلفی و افزایش خطر ابتلا به انشعاب وجود داشته است. رابطه میان رهبران سیاسی و شیوخ مانند «تیغ و خار» توصیف شده و با تجربه اسرائیل در مورد یهودیت ارتدکس مقایسه شده است که از آن حزب دینی «شاس» پدید آمده است:

«بسیاری از شیوخ دموکراسی را درک نمی‌کنند و این یک مشکل اساسی است. شما می‌توانید این وضعیت را با اسرائیل مقایسه کنید که در آنجا یک گرایش ارتدوکس متعصب از خاخام‌ها وجود دارد که مخالف دموکراسی و یا حتی دولت خودشان هستند. ما در اینجا همچنین معتقدیم که این اختلافات در مصر بسیار برجسته‌تر از اسرائیل است.»^{۴۹۳}

نمونه این تنش مناقشه میان سیاستمداران و واعظان بر سر مالیات سرانه یا جزیه است که توسط غیرمسلمانان در دوران ماقبل جدید به دولت پرداخت می‌شد. نادر بکار - سخنگوی برجسته حزب النور - گفت که جزیه در عصر تکنولوژی و توسعه منطقی نیست. او به‌سرعت توسط یاسر برهامی - معروف‌ترین شیخ دعوت السلفیه - تحقیر شد که بیانیه بکار را نادرست و سزاوار سرزنش توصیف کرد و جزیه را به این علت که عملی از پیامبر است، موجه قلمداد نمود.^{۴۹۴}

⁴⁹² Egyptian Islamist ex-MP receives suspended sentence for public sexual “indecentcy”, **Ahram Online**, 21 July 2012: <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/48292/Egypt/Politics-/Egyptian-Islamist-exMP-receivessuspended-sentence.aspx>. (Last accessed: 29 January 2013.)

⁴⁹³ Interview with Dr. Abd al-Fattah Madi, **Alexandria**, 21 January 2012.

⁴⁹⁴ Burhami: kalam “Nadir Bakkar” an al-jizya “batil wa-munkar” ’ (‘Burhami: Nadir Bakkar’s Statement about Jizya Being “False and Reprehensible” ’), **Midan**

تلاش سیاستمداران برای کاهش ترس و وحشت در میان مسیحیان و آزادی‌خواهان مصری به‌وسیلهٔ مقابله با تصویر سیاست‌های قرون وسطایی سلفی، با درخواست متخصصان الهیئت مبنی بر خلوص اعتقادی به‌شدت درگیر شد. این درگیری‌ها به‌طور منظم در رسانه‌های مصری منعکس می‌شد. رهبران سیاسی حزب النور مشتاق بودند تا به این نکته اشاره کنند که آن‌ها تابع واعظان سلفی نیستند. در مقایسه با اصرار واعظان در تفسیر دقیق از قرآن و سنت به‌عنوان مبنایی برای سیاست، عماد عبد‌الغفور - رئیس حزب النور - ادعا می‌کند که سیاستمداران سلفی انحراف سیاسی شایان توجهی دارند:

«حزب النور دارای یک نقطه‌نظر مذهبی مرجع (مرجعیت شرعی) در گروهی از شیوخ برجسته است؛ اما ما نمی‌توانیم دستورات مستقیمی به آن‌ها نسبت بدهیم. تصمیم‌گیری‌های ما در بحث‌های سیاسی در مجلس و در درون حزب گرفته شده است. ما لازم نیست اظهارات شیوخ را اجرا کنیم. [...] ما [نظرات] برهامی را عیناً دنبال نمی‌کنیم. نگاه کنید! هیچ جامعه و یا دولت ایده‌آلی وجود ندارد. ما باید با یک راه عملی با واقعیت برخورد کنیم.»^{۴۹۵} با این وجود، به نظر می‌رسد که رشد فزاینده رابطه با شیوخ در طول زمان با دشواری روبه‌رو بوده است و دلیل اصلی استعفای عماد عبد‌الغفور از حزب النور در ماه ژانویه سال ۲۰۱۳ م. همین بود. همراه با یسری حماد، محمد نور و چند تن دیگر، او در ادامه برای فاصله گرفتن از پشتیبانی واعظان سلفی مشهور الدعوت و همزمان به دست آوردن آزادی سیاسی بیشتر، به ایجاد یک حزب رقیب، حزب الوطن (حزبی از ملت) اقدام کرد. یسری حماد در الجزیره گفته که «ما رویکرد سلفی مشابهی را دنبال می‌کنیم»، «اما خودمان را منحصر به محدودیت‌های هیچ گروه خاص نمی‌کنیم.»^{۴۹۶} صرف نظر از تنش بین سیاستمداران و واعظان و با وجود این واقعیت که به هیچ‌یک از واعظان برجسته در مجلس اول پس از انقلاب کرسی داده نشد، بسیاری از شیوخ امروزه از

al-Tahrir newspaper, 14 December 2011: <http://www.medantahreer.com/shownews-23712.php>. (Last accessed: 4 June 2013.)

⁴⁹⁵ Interview with Imad Abd al-Ghafur, chairman of Hizb al-Nur, **Cairo**, 22 January 2012.

⁴⁹⁶ Alaa Bayoumi, 'Egypt's Salafis split ahead of elections', **Aljazeera.com**, 14 January 2013: www.aljazeera.com/indepth/features/2013/01/2013114105047960749.html. (Last accessed: 4 June 2013.)

ورود به سیاست حمایت می‌کنند. تا قبل از سرنگونی مبارک، این یک امر بی‌سابقه بود. به‌عنوان مثال، یاسر برهامی در سال ۲۰۰۷ م. مخالفت صریح خود را با هر نوع مشارکت سیاسی سازمان‌یافته، با اشاره به سازش‌های دلسردکننده به‌وجودآمده، ابراز داشته بود:

«... همان‌طور که ما دیده‌ایم که آن‌ها چگونه از آرمان‌ها و هویت اسلامی خود برای موقعیتی در این‌جا و یا فرصتی در آن‌جا دست برداشته‌اند.»^{۴۹۷} پس از استقرار النور با این حال، او با ابزارهای مختلف دموکراسی، مانند انتخابات، کنترل حاکم از موضع مجلس و یا استقرار نهادهای دولتی بر اساس اصل شورا مخالفت چندانی نداشت. در این مورد او چنین گفته بود که: «روشن شد که سازوکارهای دموکراتیکی که ما به‌عنوان برنامه حزب النور پذیرفته‌ایم، توسط شرع تنظیم می‌شوند. [...] این به این معنی است که ما حکومت را شرعی و متعلق به خدا می‌دانیم.»^{۴۹۸} او در حال حاضر به‌طور منظم نمونه‌هایی از عقاید سیاسی را در روزنامه سلفی الفتح و در وب‌سایت خود منتشر می‌کند.^{۴۹۹}

سلفی‌ها و دیگر نیروهای سیاسی در مصر

اولین و مشخص‌ترین تنش سلفی‌گری با دیگر فعالین سیاسی، به مدت کوتاهی پس از سرنگونی مبارک و منازعه بر سر همه‌پرسی قانون اساسی در مارس سال ۲۰۱۱ م. مربوط می‌شد. اسلام‌گرایان، از جمله سلفی‌ها، به یک شورای عالی نیروهای مسلح و پیشنهاد به اصلاح بخشی از قانون اساسی رأی دادند؛ درحالی‌که پیشگامان انقلابی و نیروهای سکولار برخلاف آن رأی دادند. درحالی‌که انقلابیون درخواست فوری بازنگری و اصلاح کامل و اساسی قانون اساسی را داشتند، اسلام‌گرایان می‌خواستند که از بند دو که می‌گوید شریعت اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری است حفاظت کنند. واعظان سلفی با قوت هرچه تمام بسیج

⁴⁹⁷ Burhami, *al-Musharaka al-Siyasiyya wa-muwazin al-quwa* ('Political participation and the balance of power' (in Sawt al-Salaf, 20 March 2007, quoted in Omayma Abdel-Latif, 'Trends in Salafism', in Emerson et al. 2009, P 78.

⁴⁹⁸ Referred to in Ali Abd al-Al, *al-Dimuqratiyya al-lati qabilna aliyatiha mundabata bi-l-shar* ('Shaykh Yasir Burhami: The Democracy Whose Tools We Have Accepted Is Bound by the Sharia), *Misr al-Jadida*, 13 December 2011: <http://www.misrelgdida.com/reporters1/80696.html>, 13 December 2011. (Last accessed: 6 August 2013.)

⁴⁹⁹ Sawt al-Salaf, <http://www.salafvoice.com/>. (Last accessed: 5 June 2013.)

شدند و اسلامگرایان موفق به کسب رأی شدند که این امر آن‌ها را هم‌ردیف شورای عالی نیروهای مسلح در برابر انقلابیون قرار داد. بعدها، یاسر برهامی اظهار داشت که نیاز به دفاع از شریعت اسلامی دلیل اصلی آن بود که سلفی‌ها وارد صحنه سیاسی شدند.^{۵۰۰} منازعه قابل‌پیش‌بینی بر سر قانون اساسی، به جنجال و مشاجره سلفی‌ها (و اخوان المسلمین) با پیشگامان انقلابی و نیروهای سکولار مصر منجر شد. با این حال هم‌زمان این مسئله یک خط سیر سیاسی غیرقابل‌پیش‌بینی را برای سلفی‌ها به وجود آورده است. به این دلیل که آن‌ها بر اساس یک تعریف کلی و اشتباه از این مسئله - نیاز به دفاع از شریعت - غرق در سیاست شدند. تحلیل‌گر و مفسر برجسته مصری، ابراهیم الحدیدی، استدلال می‌کند این بذره‌های مشارکت سیاسی سلفی که پیش از این و در ماه‌های پیش از انقلاب کاشته شده، موجب تنش‌های اجتماعی و مذهبی با کلیسای قبطی و دولت شده است.

زمانی که سلفی‌ها به آنچه که آن را تهدیدی برای هویت اسلامی مصر می‌دانستند، واکنش نشان دادند، منازعه بر سر قانون اساسی به ورود سلفی‌ها به نهادهای سیاسی شتاب بخشید. او همچنین استدلال می‌کند که همه‌پرسی «پیروزی» که در قسمت‌هایی به آن اشاره شد، و قرار گرفتن در موقعیت مشارکت سیاسی دیگر محرک اصلی این مسئله بود.^{۵۰۱} بعد از کمی تردید، زمانی که سلفی‌ها نزدیک به بیست و پنج درصد از آرا را در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۲/۲۰۱۱ م. به دست آوردند، به دستگاه سیاسی پرتاب شدند. در نتیجه، آن‌ها در حال حاضر با آموزش و فهمی اندک از سیاست و بازی سیاسی، قصد دارند تا به یک موقعیت میزبانی در مسائل سیاسی دست پیدا کنند؛ که این هیچ ربطی به اسلام ندارد. این شرایط مختص یک دوره مهیج و پیچ‌درپیچ است که در آن برخی از تنش‌ها کم شده و برخی افزایش پیدا کرده است. در رابطه با نیروهای چپ‌گرا، سکولار و انقلابی، سلفی‌ها با دو روش قابل‌پیش‌بینی و حیرت‌انگیز رفتار کردند. واعظان و سیاستمداران سلفی در بیشتر قسمت‌ها، تظاهرات مردمی علیه شورای عالی نیروهای مسلح را محکوم کردند؛ بر این اساس که چنین تظاهرات‌هایی

⁵⁰⁰ Yasir Burhami, *Madha nurid fi l-dustur?* 'What Do We Want with the Constitution?', Sawt al-Salaf, 20 April 2012: <http://www.salafvoice.com/article.php?a=6166&mode=r>. (Last accessed: 5 June 2013.)

⁵⁰¹ Ibrahim El-Houdaiby, 'Islamism Now', *Cairo Review*, 134; 141-2.

باعث هرج و مرج و نابودی مصر می‌شود. پاسخ انقلابیون همواره آن است که دستگیری و محاکمه هزاران نفر توسط رژیم، کشتار تظاهرکنندگان و آزار و اذیت مخالفان، نسبت به تظاهرات در مقابل این‌گونه شدت‌عمل‌ها، باید برای سلفی‌ها نگران‌کننده‌تر باشد. با این حال برخی از چهره‌های سلفی در جهت مصالحه قدم برداشته‌اند. تامیر مکی، سخنگوی حزب الاصله، ادعا می‌کند که حزب او از روابط بهتری با انقلابیون نسبت به دیگر سلفی‌ها برخوردار است:

«من عضو گروه "ما سلفی‌های التحریر هستیم" بودم. این گروه در صف مقدم خواست مردم بود و آن‌ها را در مورد اختلافات ایدئولوژیک متحد می‌کرد. ما روابط خوبی با جوانان انقلابی داریم. با ما در تماس باشید. ما چالش‌های کمتری در روابطمان با آن‌ها نسبت به حزب النور و اخوان المسلمین داریم.»^{۵۰۲}

مورد تردید است که چنین نگرش‌ها و اظهاراتی، تفاوتی در آن تصویر کلی به وجود بیاورد. به‌طور کلی جنبش سلفی نسبت به روندهای انقلابی برخوردار از خصمانه دارد. عضو ارشد بخش محلی حزب النور در اسکندریه، که از شورای عالی نیروهای مسلح برای حفاظت از انقلاب تقدیر کرده است، هنگامی که در مورد تنش‌های بین این شورا و معترضان از او سوال نمودیم، گفت که حوادث ماسپرو و کابینه^{۵۰۳} در پاییز سال ۲۰۱۱ م. اقدام گروه‌های کوچکی از مردم با «برنامه‌های خاص» بود که از قدرت‌های خارجی پول دریافت کرده بودند.^{۵۰۴}

با وجود این اتهامات، حرکت سلفی‌ها در عرصه سیاسی، آن‌ها را به روندهای سکولار و چپ‌گرا نزدیک‌تر کرد؛ چیزی که از یک روند مذهبی بسیار محافظه‌کار انتظار می‌رفت. در ابتدا نمایندگان سلفی مجلس تلاش کرده‌اند برای مقابله با آنچه که آن‌ها به‌عنوان تهدید اخوان المسلمین برای مجلس می‌بینند، با دیگر نیروها متحد شوند. یک محقق مشهور مصری گفت

^{۵۰۲} Interview in Cairo, 24 January 2012.

^{۵۰۳} ماسپرو نام مکانی در مصر. در سال ۲۰۱۱، نزدیک به ۳۰ مصری، تقریباً همه مسیحیان قبطی، در اعتراض به خشونت‌های فرقه‌ای، هنگامی که آن‌ها در ساختمان رادیو و تلویزیون مصر راهپیمایی کرده بودند، به قتل رسیدند. کابینه: که در آن تعداد زیادی از تظاهرکنندگان غیرنظامی توسط پلیس و ارتش کشته شدند.

^{۵۰۴} Interview with retired general Yahya Ahmad husayn, hizb al-Nur, Alexandria, 21 January 2012.

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۹۱

حزب النور با او تماس گرفته و از او درمورد چگونگی رسیدن به اتحاد معروف سوسیالیستی - حزبی از غرب دور که به‌طور فعال از جوانان انقلابی پشتیبانی می‌کند - درخواست مشاوره داشته است.^{۵۰۵}

سیاستمداران سلفی به منظور ایجاد یک بلوک همکاری که اکثریت اخوان المسلمین را در مجلس به پایان برساند، با همه نیروهای غیراسلامی در مجلس شورای اسلامی ارتباط برقرار کردند.^{۵۰۶} حتی اگر این تلاش شکست بخورد، قابل توجه است که یک حزب سیاسی بر پایه دیدگاهی محافظه‌کارانه از اسلام به وجود آمده است و چنین حرکتی باید شکل می‌گرفت تا با دیگر نیروهای اسلامی رقابت کند. حمایت سلفیه از «عبد المنعم أبو الفتوح» به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۲ م. یک مثال دیگر از همین مورد است.^{۵۰۷} أبو الفتوح یکی از رهبران اصلی جنبش دانشجویی اسلامی در ۱۹۷۰ م. و یکی از چهره‌های بزرگ اخوان المسلمین، پس از اینکه تصمیم گرفت تا برای ریاست‌جمهوری نامزد شود، از این سازمان اخراج شد و هویت سیاسی او به‌وضوح در تضاد با رهبری فعلی اخوان المسلمین قرار گرفت. پس از تردید بسیار، حزب الدعوت السلفیه به جای حمایت از محمد مرسی - نامزد محافظه‌کارتر مجلس شورای اسلامی - از نامزدی او (أبو الفتوح) حمایت کرد. همچنین باید توجه داشت که آنها هرگز تنها نامزد سلفی تأییدشده برای ریاست‌جمهوری نبودند؛ حاضرم صلاح ابواسماعیل (که بعدها رد صلاحیت شد) نیز کاندیدا بود. هر انگیزه‌ای برای این تصمیم (مخالفت با اخوان المسلمین) وجود داشته است، برآمد آن این بود که این سلفی را به ثقل سیاسی نزدیک‌تر، و از موقعیت اولیه خود در سمت راست دور کرد.

سلفی‌ها همچنین موقعیت خود را نسبت به نظام تغییر داده‌اند. از آغاز با پذیرش محتاطانه شورای عالی نیروهای مسلح به‌عنوان یک قدرت موقت مشروع، سلفی‌ها با انتقاد از مقامات

^{۵۰۵} Interview in Cairo (name withheld), 24 January 2012.

^{۵۰۶} Maggie Michael, 'Egypt's radical Salafis approach secular rivals', **The Guardian**, 14 January 2012: <http://www.guardian.co.uk/world/feedarticle/10040734>. (Last accessed: 29 January 2012.)

^{۵۰۷} Al-Nour Party Endorses Aboul Fotouh for President', **The POMED Wire**, 29 April 2012: <http://pomed.org/blog/2012/04/nour-party-endorses-abdelmoneim-aboul-futouh-for-president.html/>. (Last accessed: 29 January 2013.)

ارشد نظامی دائماً خبرساز شده‌اند. هنگامی که حامیان سلفیه بعد از رد صلاحیت کاندیدای ریاست‌جمهوری، ابواسماعیل، در مقابل وزارت دفاع در ماه آوریل ۲۰۱۲ م. در اعتراض به اخراج خود از عرصه مسابقه تحصن کردند؛ این شرایط به رویارویی مستقیم منجر شد. ارادل و ابوباش بارها و بارها آن‌ها را مورد حمله قرار دادند و هنگامی که تعداد زیادی از معترضان در یک نمایش اتحاد و همبستگی شرکت کردند، تحصن به یک مراسم ضد شورای عالی نیروهای مسلح تبدیل شد. اینکه سلفی‌ها خواستار اعتراض به این شورا بودند، به‌وضوح نشان می‌دهد که دکترین سنتی سلفیه مبنی بر حفظ ثبات و مطیع حاکمان مسلمان بودن به‌منظور اجتناب از درگیری‌های داخلی (فتنه) مطلق نیست.^{۵۰۸}

از لحاظ ایدئولوژیک، خط سیر سلفیه کم‌حادثه‌تر است. شکی نیست که جنبش سلفیه در مصر فاقد اعتبارنامه‌ای دموکراتیک است؛ درحالی‌که اخوان المسلمین در طول سال‌ها و به‌واسطه مقابله باز و مسالمت‌آمیز با رژیم مبارک، آن را به دست آورد.^{۵۰۹} به استثنای کویت^{۵۱۰}، جنبش‌های سلفی تاحدزیادی بیرون از سیاست باقی ماندند و بیشتر بر مسائل مربوط به آموزه‌ها و آیین تمرکز کرده‌اند. در رابطه با سیاست، آن‌ها به آثار ماقبل مدرن فقه (به‌خصوص آثار ابن تیمیه) متکی بودند. او بیان می‌کند شورش علیه حاکم، تا زمانی که او مسلمان است، اشتباه است.^{۵۱۱} آن‌ها علاقه بسیار کمی به سیستم سیاسی و اصلاح آن در کشورهای عربی از خود نشان داده‌اند. بنابراین، رهبران سلفی معاصر مانند ناصرالدین البانی و محمدبن صالح العثیمین، شدیداً به اجتناب از مخالفت صریح با فرمانروا توصیه می‌کنند؛ از این جهت که

⁵⁰⁸ See for example Sarah El-Rashidi, 'Salafist Nour Party condemns Abbas[iy]a killings, denies involvement', **Ahram Online**, 3 May 2012: <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/40752/Egypt/Politics-/Salafist-Nour-Party-condemns-Abbasyia-killings,-de.aspx>. Last accessed: 29 January 2013.

⁵⁰⁹ These credentials are now being questioned by many Egyptians as the result of the Muslim Brothers' performance since February 2011, but this is outside the scope of the present paper.

⁵¹⁰ Bjørn Olav Utvik, 'For Gud og friheten—politiske salafier i Kuwait og Saudi Arabia', **Babylon**, 2, 2012, Pp 32–43.

⁵¹¹ For more nuanced views on Ibn Taymiyya than those offered by many Salafis and scholars alike, see Yahya Michot, **Ibn Taymiyya Against Extremisms**, Beirut: Dar al-Bouraq, 2012.

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۹۳

شورش بیشتر به ضرر منافع جامعه اسلامی است تا به نفع آن.^{۵۱۲} موضع‌گیری واعظان برجسته سلفی مصر در اوایل انقلاب در ژانویه و فوریه ۲۰۱۱ م، نیز این‌گونه بود. اصل وارد کردن ضربه اصلی به سیاست به‌منظور دفاع از شریعت، که این عقیده پس از رفتن هم‌چنان مرکزیت دارد، گاهی با معنی دموکراسی متضاد است. در خلال جلسه سخنرانی برای حزب النور در شهر «مارسا مطروح» در سپتامبر ۲۰۱۱ م، واعظ سلفی برجسته، سعید عبدالعظیم در جمعی هزاروپانصد نفری گفت که سلفی‌ها مجبور شدند به سیاست وارد شوند؛ چون در حال حاضر اردوگاهی وجود دارد که از سیاست در برابر قانون خدا (شریعت) حمایت می‌کند و این که مأموریت اصلی سلفی‌ها، احیای بند دوم قانون اساسی است. عبد العظیم جمعیت را این‌گونه وعظ کرد که اگر آن‌ها از شما برقراری دموکراسی را خواستند، به آن‌ها جواب منفی بدهید. او ادامه داد: آن اسلام است که آن‌ها باید آن را اجرایی و عملی کنند. دموکراسی آئین خود را دارد.^{۵۱۳} بیانیه‌هایی از این دست، که کمی بعد از فوریه ۲۰۱۱ م وجود داشته، نقش مؤثری بر رسانه‌های مصر داشته است؛ که در جهت‌گیری آشکارا ضدسلفی هستند.

طرف دیگر سکه این است که سیاستمداران سلفی و رهبران مذهبی در هنگام مشکل به دنبال اتخاذ لحنی آشتی‌جویانه بوده‌اند. در دیدار متقابل سیاسی در شهر بحیرا، که نمایندگانی از حزب ناصری، مصریان آزاد، حزب التجمع، حزب آزادی و عدالت در آن حضور داشتند، محمد نور خطاب به جمعیت گفت که هیچ‌کس نمی‌تواند کشور را به‌تنهایی اداره کند و تمام قدرت‌های سیاسی باید باهم باشند. او همچنین اظهار داشت که حزب النور همیشه اتهام خیانت علیه هر گروهی در مصر را رد می‌کند؛ حتی اگر متهم شورای عالی نیروهای مسلح باشد.^{۵۱۴}

⁵¹² Nasir al-Din al-Albani, *Fitnat al-takfir*, ed. Ali ibn Husayn Abu Luz; Riyadh: Dar Ibn Khuzayma, 1997, P 35.

⁵¹³ Muhammad Isawi and Muhammad Munir, *Daiya salafi: idha qila lakum tabbiqu al-dimuqratiyya, fa-mtaniu* (Salafi preacher: if you are told to 'implement democracy', then refrain from doing so), al-Tahrir, Cairo, 27 September 2011, P 8.

⁵¹⁴ Ibid.

به همین نحو، محمد حسن - واعظ معروف سلفی - در تلاش است تا به‌عنوان یک پل بین سلفی‌ها و دیگر مصریان عمل کند. او علاوه‌بر ظاهر شدن در تلویزیون با پیام‌هایی از خویش‌داری و تحمل، در یک کنفرانس بزرگ که توسط پیشوای الازهر، احمد الطیب، در ژانویه ۲۰۱۲ م. با موضوع نیاز به یک دولت دموکراتیک غیرنظامی با حقوق برابر برای همه حضور داشت. بیانیه‌ای که بعد از کنفرانس توسط الازهر صادر شده بود، توسط همه حاضران تأیید و امضا شد.^{۵۵} چنین اقداماتی به‌سختی با تصویر غالب سلفی‌گری به‌عنوان یک جریان سفت و سخت، که سیاست‌هایش به‌وسیله انگیزش متعصب دینی آن هدایت می‌شود، تطابق دارد.

نمونه مصر و نمونه‌های متعارف سلفی‌گری

مورد مصر منحصر به فرد نیست، حتی اگر ورود سلفی‌گری به عرصه سیاسی در این کشور بسیار چشمگیر بوده باشد. در کویت، سلفی‌ها برای چندین سال بخشی از سیاست‌های پارلمانی بوده‌اند^{۵۶} و قیام‌های اعراب، سلفیه را به سیاست‌های پارلمانی در جاهای دیگر وارد کرده است؛ به‌ویژه در تونس، با تأسیس حزب اصلاحات در سال ۲۰۱۲ م. چگونه تغییرات ظاهری عقاید و عادت‌های معمول جنبش سلفیه مصر و اختلاف بین تعریفات دریافتی از سلفی‌گری و عملکرد سیاسی واقعی سلفیه را توضیح دهیم؟ آیا سلفیه جنبشی است که برای مشارکت سیاسی، به‌عنوان فرصتی که پیش آمده، پوسته‌اش با شتاب شکافته شده است؟ یا از همان ابتدا و به‌صورت پنهان جریان سلفیه، بالقوه سیاسی بوده است؟

⁵¹⁵ Azhar Rallies Islamists and Liberals Behind “Democratic” Vision for Egypt’, **Ahram Online**, January 12, 2012, <http://english.ahram.org/eg/NewsContent/1/64/31543/Egypt/Politics-/Azhar-rallies-Islamists-and-liberals-behind-democr.aspx>. (Last accessed: 5 June 2013.)

⁵¹⁶ Bjørn Olav Utvik and Truls Hallberg Tønnesen, **Islamist Movements in the Middle East: Challenging the Autocrats**, Oslo: The University of Oslo, 2008, Pp 81–3: http://www.ps.au.dk/fileadmin/site_files/filer_statskundskab/subsites/cir/pdf-filer/p3.PDF. (Last accessed: 5 June 2013.) See also: ‘In Egypt and Tunisia, Salafis Move from Prisons to Parliaments’, **Christian Science Monitor**. [http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2012/1128/In-Egypt-and-Tunisia-Salafismove-from-prisons-to-parliaments/\(page\)/3](http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2012/1128/In-Egypt-and-Tunisia-Salafismove-from-prisons-to-parliaments/(page)/3). (Last accessed: 22 January 2013.)

پویایی سیاست‌های سلفیه هنوز هم با سرعت بالایی در جریان است، اما به هر حال برخی از اندیشه‌های معمول در مورد جنبش سلفیه با مورد مصر در تناقض است. همان‌طور که در بالا نشان داده شده است، بانفوذترین جنبش سلفی در مصر امروز، الدعوت السلفیه، سابقه مستمری در مخالفت با دخالت‌های سیاسی دارد. این جنبش پس از انقلاب تلاش نموده با تمرکز بر مبارزه اعضای خود در برابر فقر و جهل، خود را به‌عنوان یک جنبش فعال سیاسی قدیمی مطرح کند و هرگز در مخالفت آشکار با مبارک نبوده است. فعالیت‌های سیاسی اجتماعی این حزب توسط دولت پذیرفته شده و در نتیجه نیازی به متوسل شدن به مخالفت فیزیکی علیه رژیم نداشته است. اگر از زاویه فعالیت سیاسی به این جنبش نگاه شود، باید آن را به‌عنوان نوعی سکوت در تعامل سیاسی به حساب آورد. ورود حزب الدعوت السلفیه به فعالیت سیاسی سازمان‌یافته از طریق حزب النور پس از انقلاب است و به این ترتیب آن‌ها نیازی برای رفتن به جنگ آشکار با مقامات ندارند. آن‌ها تنها زمانی وارد سیاست شدند که فعالیت‌های سیاسی قانونی شده و درهای آن به روی همه باز بود؛ بنابراین هیچ رویارویی‌ای صورت نگرفت.

این تعجب قابل اغماض خواهد بود که عدم رغبت سلفیه به درگیری مستقیم با سیاست، در درجه اول از بی‌میلی آن‌ها به قرار گرفتن در برابر حاکمان مستبد ناشی می‌شود نه از این موضع که آن‌ها اصولاً غیرسیاسی هستند. همان‌طور برای این ادعای معمول که سلفی‌ها نسبت به حدود و ظواهر و سواس دارند،^{۵۱۷} که این عقاید ممکن است آماده تجدیدنظر باشد. شکی نیست که یک هویت سلفی قوی در میان پیروان جنبش سلفی در مصر وجود دارد و در ظاهر هنوز هم سلفی‌ها را از دیگر گرایش‌های مذهبی و سیاسی‌مذهبی متمایز می‌کند. با این حال، تصویر متعارف از سلفی‌ها، یعنی مردان با لباس‌های بلند و گشاد تا مچ پا و همچنین ریش و پوشش سر، همراه با زنان نقاب پوش، به‌عنوان تمهیدی برای درک تحولات درونی سلفی‌گری امروز، ممکن است گمراه‌کننده باشد.

جریان سلفیه سیاسی جدید مصر، از لباس و چانه تراشیده، درکنار اقدامات عملی برای دیدار با دیگر نیروهای سیاسی و همچنین محققان خارجی و روزنامه‌نگاران شرمی ندارد.

^{۵۱۷} Oliver Roy, *Globalised Islam*, P 36.

سلفی‌ها علی‌رغم نگرش بدبینانه و موضع‌گیری که همیشه نسبت به محققان خارجی غیرمسلمان داشتند - همان‌طور که از خصوصیات غالب سلفی‌گری در گزارش‌های خبری و ادبیات دانشگاهی انتظار می‌رود - با نویسندگان ملاقات کردند؛ گردآوری اطلاعات برای مطالعه کنونی مورد استقبال قرار گرفت و به طرز مؤثری با پرس‌وجوهای ما تطبیق پیدا کرد. هر دوی اینها به بازیگران سیاسی و مذهبی، رهبران محلی و ملی و همچنین فعالان مردمی وابسته بودند. به جای این که آن‌ها نسبت به حد و مرزها وسواس داشته باشند، دیگران در مورد «تصویر آنها» دچار وسواس شدند. تغییرات چشمگیر در جنبش سلفیه مصر، همچنین تلاش‌های علمی برای دسته‌بندی گرایش‌های مختلف اسلامی را به چالش کشید.

دلیل این چالش این بود که مفهوم سلفی‌گری در ابتدا به‌طور کامل برای توصیف کلیه حزب‌های سیاسی که خود را منسوب به آن می‌دانستند، مناسب نبود. این بحث در حال حاضر توسط «هگمر» آغاز شده است.^{۵۱۸} او استدلال می‌کند که واژه «سلفی‌گری» در تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از پدیده‌های سیاسی که در حال حاضر تحت عنوان سلفیه وجود دارد، مفید نیست. به گفته وی، سلفی‌گری دارای یک شاخص دینی است، نه سیاسی و جنبش‌های به اصطلاح سلفی به خاطر انتخاب‌های سیاسی خود تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارند؛ مگر جنبش‌هایی که با تعریف درستی «سلفی» نامیده می‌شوند و در رابطه با دیگر بازیگران محلی جایگاه مشخصی دارند، که هگمر در مورد آنها از به کار بردن این تعریف اجتناب می‌کند.

مشکل اساسی با این حال، این است که سلفی‌گری مصر خود را مستعد تغییر نشان داده است. به گفته «یان هکینگ»^{۵۱۹} این جنبش نوعی تعامل است که ممکن است همچنان که مشاهده می‌کنیم، تغییر کند:

«ما به‌ویژه نگران طبقه‌بندی‌ای بودیم که توسط مردم و یا اطرافیان آن‌ها شناخته شده است. بنابراین کار در مؤسسات را شروع کردیم تا راه‌هایی را در تجربه شخصی خودشان تغییر دهیم که شاید آن‌ها را به سوی تکامل بخشیدن بخشی از احساسات و رفتارشان سوق دهد؛ زیرا که

⁵¹⁸ Thomas Hegghammer, 'Jihadi-Salafis or Revolutionaries: On Religion and Politics in the Study of Islamist Militancy' in Meijer (ed.), *Global Salafism*, Pp 244-66.

⁵¹⁹ Ian Hacking

آن‌ها همچنان طبقه‌بندی شده‌اند. این افراد بسته به آنکه در چه طبقه‌ای قرار گرفته‌اند، در مورد خودشان به باوری خاص رسیده‌اند و یا اینکه به خاطر نوع طبقه‌بندی‌شان، رفتار خاصی با آنان شده و خوی و خصلت‌شان را تغییر داده است. این فرایند شکل خاصی از تعامل است. در حقیقت در این مسئله یک تأثیر چرخشی وجود دارد.^{۵۲۰}

در مورد جنبش‌های اجتماعی مانند سلفیه که به مباحثات داخلی همانند برداشت‌های غیر خودی از خودشان واکنش نشان می‌دهند، این رویکرد ممکن است منجر به زدن برچسب‌هایی خائنانه به آنها شود. اگر و هنگامی که گروهی از فعالان اسلام‌گرا، از جمله سلفی‌هایی که در این مقاله شرح دادیم، تصمیم به شکستن شیوه‌ها و دیدگاه‌های سابق خود بگیرند، احساس تغییری در معرفی ما از آن‌ها صورت نخواهد نگرفت. بر این اساس که باید از بعد زمانی جنبش اجتماعی، به علاوه درک شخصی آن چشم پوشی کرد.

بحث فوق ما را نسبت به اصطلاح «سلفی‌گری» دچار نوعی ابهام و بی‌ثباتی می‌کند؛ همان‌طور که به وسیله «لازیر» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ما در آغاز این مقاله بدان اشاره کردیم. طبق نظر «لائوزیر» مفهوم سلفی‌گری از همان آغاز واقعی‌اش در سال ۱۹۲۰ م. هم، بیش از حد مبهم بود تا این‌که در حال حاضر به ثبات رسیده باشد. این واژه هرگز با یک گروه یا ایدئولوژی خاص ثابت نمانده است. بنابراین در محتوا منعطف و تغییرپذیر باقی مانده است. جنبش سلفیه مصر نشان داده است که به اندازه‌ی واژه‌ای که برای تعریف آن مورد استفاده قرار گرفته است، انعطاف‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

نمونه مصر نشان می‌دهد زمانی که سلفی‌گری وارد سیاست شد، سادگی و نگرش متعصبانه آن مقدمه‌ای شد برای حرکتی التقاطی از طریق چشم‌انداز سیاسی و همچنین انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک به نفع بهره‌گیری سیاسی. الهیئت قطعاً تعیین‌کننده اصلی رفتار سیاسی سلفیه نبوده است؛ به جای آن، جاه‌طلبی‌های شخصی و شکاف‌های بین سیاستمداران و واعظان به‌عنوان عواملی مهم در توسعه احزاب سیاسی سلفی در مصر پس از انقلاب ۲۰۱۱ م. پدید آمده‌اند. با وجود خصومت سلفی‌گری نسبت به کافران و مسلمانان که آن‌ها را بدعت‌گذار تلقی می‌کنند،

⁵²⁰ Ian Hacking, *The Social Construction of What?*, Cambridge, MA: Harvard University Press, 1999, P 104.

سیاستمداران سلفی حداقل در جمع سوسیالیست‌های مصری به آن‌ها علاقه‌مند هستند. دستور اعتقادی مبنی بر جلوگیری از فتنه و منازعات داخلی، هنگامی که سیاستمداران سلفی شورای عالی نیروهای مسلح را به‌عنوان تهدید منافع سیاسی خود در نظر گرفتند، کنار گذاشته شد؛ همان‌طور که مورد ابواسماعیل نامزد وابسته به ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد. این رویداد همچنین نمایانگر این واقعیت است که سازش اعتقادی از خصومت سیاسی پیشگیری نمی‌کند؛ از این رو که رهبر حزب سلفیه تصمیم گرفت تا حمایت خود را از ابواسماعیل دریغ کند، حتی با وجود این که او تنها نامزد سلفیه برای ریاست‌جمهوری بود. هیچ چیز پایداری وجود ندارد، از جمله تفکر و عمل به اصطلاح بنیادگرایان. ظهور جنبش سلفیه به‌عنوان یک بازیگر سیاسی در مصر یادآوری ارزشمندی است از این که جنبش‌های اسلام‌گرا و ایدئولوژی بی‌ثبات آن‌ها چگونه هستند.

نقد و بررسی مقاله

مقدماتی‌ترین نکته در مورد تحقیق حاضر منابع آن است که مبتنی بر مصاحبه‌ها، مشاهدات میدانی و متونی است که در مورد سلفیه به نگارش درآمده است. از این نظر نویسندگان با سفرهای متعدد و شرکت در جلسات و سخنرانی‌هایی که مربوط به جریان سلفیه بوده، توانسته‌اند تا حد زیادی با آراء و اندیشه‌های این جریان آشنایی پیدا کنند. به همین علت این مقاله در مورد جریان‌های معاصر سلفیه که در مصر فعالیت دارند، اطلاعات مفیدی را ارائه داده است. در همین راستا تمام جریان‌های شناخته‌شده سلفی که در مصر فعالیت داشته‌اند، به اختصار معرفی شده و نحوه تعامل و مبانی اعتقادی آن‌ها تشریح شده است. مقصود اصلی نویسندگان از نگارش مقاله حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا جریان سلفیه جریانی منزوی و پایبند به اصول مذهبی خود است یا این که این جریان ممکن است به صحنه فعالیت‌های سیاسی نیز وارد شود؛ که در صورت ورود، سؤال دومی شکل می‌گیرد که ورود جنبش سلفی در صحنه سیاسی مصر چه تأثیراتی بر سیاست‌های این کشور و سیاست داخلی خود این جریان داشته است؟ نویسندگان به‌خوبی از عهده پاسخگویی به این سؤالات برآمده‌اند و توانسته‌اند به‌صورتی مستدل و منظم تحولات جریان سلفیه در مصر را مورد بررسی قرار دهند؛ اما در خلال مباحث این مقاله مواردی وجود دارد که شایسته نقد و بررسی است.

در تعریف جریان سلفیه، خداشناسی و توحید به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی سلفی‌گری نام برده شده و عقاید مختص آن‌ها این‌گونه بیان شده است: بازگشت به شیوه‌ها و اعتقادات معتبر گذشته، توحید، مبارزه بی‌وقفه با بی‌ایمانی، قرآن و سنت به‌عنوان تنها منابع معتبر مذهبی و ذی‌صلاح، رهایی اسلام از خلاقیت و نوآوری‌های بدعت‌آمیز، و اعتقاد به این‌که پاسخ‌های ویژه برای تمام سؤالات در قرآن و سنت یافت می‌شود. اما به جزئیات این عقاید و شیوه عمل آن‌ها در پایبندی به این اصول اشاره کوتاه و ناقصی شده است. در جایی دیگر به این مطلب اشاره شده است که: «طبیعت ساده آموزه‌های سلفی و توانایی آن، به دلیل پایبندی محض آن به متن مقدس باعث می‌شود این آموزه‌ها همواره عرصه معنوی وسیعی را به خود مشغول کنند. این عوامل جریان سلفیه را برای بسیاری جذاب می‌کند و از جهتی موفقیت جهانی توسعه‌یافتگی سلفیه را توضیح می‌دهد». درمورد مطلب بیان‌شده باید یادآور شد که موفقیت جهانی توسعه سلفیه مرهون عوامل مختلفی است: فروپاشی امپراطوری عثمانی، نبود یک تفکر خلاق، حمایت‌های آمریکا و اسرائیل و مبارزه بر علیه ایران به خاطر وجود تفکر شیعی، عوامل اصلی این گسترش می‌باشد که البته با دقت نظر بیشتر می‌توان عوامل دیگری را نیز شناسایی کرد. نویسندگان در خلال مباحث خود چنین استدلال کرده‌اند که «به‌استثنای کویت، جنبش‌های سلفی تاحدزیادی بیرون از سیاست باقی ماندند و بیشتر بر مسائل مربوط به آموزه‌ها و آیین تمرکز کرده‌اند». در صورتی که با مروری کلی بر فعالیت‌ها و اقدامات جریان‌های سلفی در دوره معاصر، این امر کاملاً مشهود است که آن‌ها ادامه حیات خود را در گرو ورود به سیاست می‌دانند. به غیر از این موارد پژوهش حاضر تبیینی بر واقعیت‌های موجود سلفیه است. در پایان باید یادآور شد که نویسندگان، با واقع‌بینی قضایا و ذکر علت‌های رویدادها، تحولات فکری و سیاسی جریان سلفیه را در حد مطلوبی شناسایی و بررسی کرده‌اند و مقاله حاضر می‌تواند مقدمه‌ای مطلوب برای شناخت تحولات جریان سلفیه در مصر باشد.

منابع و مأخذ:

Books & Atricles:

- “Results of Egypt’s People’s Assembly Election—Egypt’s Transition”, Carnegie Endowment for International Peace, 25 January 2012.
- Abd al-Munim Munib, *Kharitat al harakat al-islamiyya fi Misr* (Map of the Islamic Movements in Egypt), Cairo: The Arabic Network for Human Rights Information, 2009.
- Alaa Bayoumi, ‘Egypt’s Salafis split ahead of elections’, Aljazeera.com, 14 January 2013.
- Al-Nour Party Endorses Aboul Fotouh for President’, The POMED Wire, 29 April 2012.
- Azhar Rallies Islamists and Liberals Behind “Democratic” Vision for Egypt’, Ahram Online, January 12, 2012.
- Bernard Haykel, ‘On the Nature of Salafi Thought and Action’ in Meijer(ed.), *Global Salafism*, Pp 38–9.
- Burhami, al-Musharaka al-Siyasiyya wa-muwazin al-quwa (‘Political participation and the balance of power’ (in *Sawt al-Salaf*, 20 March 2007, quoted in Omayma Abdel-Latif, ‘Trends in Salafism’, in Emerson et al. 2009.
- Burhami: kalam “Nadir Bakkar” an al-jizya “batil wa-munkar” ’ (‘Burhami: Nadir Bakkar’s Statement about Jizya Being “False and Reprehensible” ’), Midan al-Tahrir newspaper, 14 December 2011.
- E.g. Mustafa Hilmi, *Qawaid al-manhaj al-salafi f; l-fikr al-Islami* (The Foundations of the Salafi Method in Islamic Thought), Alexandria: Dar al-Khulafa al-Rashidun, [1985; 1991] 2010.
- Egypt MP Quits over Nose Job Cover Up’. [Last modified, 6 March 2012]
- Egyptian Islamist ex-MP receives suspended sentence for public sexual “indecenty”’, Ahram Online, 21 July 2012.
- Fawaz Gerges, ‘The End of the Islamist Insurgency in Egypt? Costs and Prospects’, *Middle East Journal*, 54/4, 2000.
- Gauvain, ‘Salafism in Modern Egypt: Panacea or Pest?’, *Political Theology*, 11/6, 2010, Pp 802–25, at 805.
- Gilles Kepel, *The Prophet and Pharaoh: Muslim Extremism in Egypt*, transl. Jon Rothschild; London: Al Saqi Books/Zed Books, 1985.
- Hamalat nazaatin yaquduha Hizb al-Nur wa-l-Asala wa-l-Bina wa-l-Tanmiya fi muhfazat al-Suwis bi-tarikh, 31/12/2011 (A renovation campaign led by al-Nur, al-Asala and al-Bina wa-l-Tanmiya parties in Suez province on 31/12/2011), 2012.

- Henri Lauzie`re, 'The Construction of Salafiyya: Reconsidering Salafism from the Perspective of Conceptual History', *International Journal of Middle East Studies*, 42/3, 2010.
- Ian Hacking, *The Social Construction of What?*, Cambridge, MA: Harvard University Press, 1999.
- Ibrahim El-Houdaiby, 'Islamism Now', *Cairo Review*, 6, 2012.
- Interview with (name withheld) activist-intellectual and senior Muslim Brother member, Cairo, 24 January 2012.
- Interview with associate professor of political science, Dr. Abd al-Fattah Madi, Alexandria University, 21 January 2012.
- Interview with Dr. Abd al-Fattah Madi, Alexandria, 21 January 2012.
- Interview with Dr. Abd al-Fattah Madi, Alexandria, 21 January 2012.
- Interview with Dr. Dina Shehata, al-Ahram Center for Political and Strategic Studies, Cairo, 7 April 2011.
- Interview with Dr. Imad Abd al-Latif, Cairo University, 23 January 2012.
- Interview with Egyptian academics who have been involved in this teaching and advisory activity, Alexandria and Cairo, January 2012.
- Interview with Ibrahim El-Houdaiby, Cairo, 24 January 2012.
- Interview with Imad Abd al-Ghafur and Muhammad Nur, Cairo, 22 January 2012.
- Interview with Imad Abd al-Ghafur, chairman of Hizb al-Nur, Cairo, 22 January 2012.
- Interview with Khalid Hamza, Cairo, 23 January 2012.
- Interview with Muhammad Nur of Hizb al-Nur, Cairo, 22 January 2012.
- Interview with retired general Yahya Ahmad husayn, hizb al-Nur, Alexandria, 21 January 2012.
- Interview with Tamir Makki and Ahmad Makki of Hizb al-Asala, Cairo, 24 January 2012.
- Lacroix, 'Sheikhs and Politicians', 3. (Last accessed: 29 January 2012.)
- Maggie Michael, 'Egypt's radical Salafis approach secular rivals', *The Guardian*, 14 January 2012.
- Muhammad Isawi and Muhammad Munir, *Daiya salafi: idha qila lakum tabbiq al-dimuqratiyya, fa-mtaniu* (Salafi preacher: if you are told to 'implement democracy', then refrain from doing so), al-Tahrir, Cairo, 27 September 2011.
- Nasir al-Din al-Albani, *Fitnat al-takfir*, ed. Ali ibn Husayn Abu Luz; Riyadh: Dar Ibn Khuzayma, 1997.

- Nathan Field and Ahmed Hamam, 'Salafi Satellite TV in Egypt', Arab Media & Society, 2009.
- Olivier Roy, Globalised Islam: The Search for a New Ummah, London: Hurst & Co., 2004.
- Omayma Abdel-Latif, 'More Alternatives', Ahram Weekly, 9 January 2013.
- Omayma Abdel-Latif, 'Trends in Salafism', in Michael Emerson, Kristina Kausch, Richard Youngs (eds.), Islamist Radicalisation: The Challenge for Euro-Mediterranean Relations, Brussels: Centre for European Policy Studies; and Madrid: FRIDE, 2009.
- Ralph H. Turner and Lewis M. Killian, Collective Behavior, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 3rd edn., 1987.
- Referred to in Ali Abd al-Al, al-Dimuqratiyya al-lati qabilna aliyatiha mundabata bi-l-shar ('Shaykh Yasir Burhami: The Democracy Whose Tools We Have Accepted Is Bound by the Sharia) Misr al-Jadida, 13 December 2011.
- Roel Meijer (ed.), Global Salafism: Islam's New Religious Movement, London: Hurst & Company, 2009.
- Salwa Ismail, Rethinking Islamist Politics: Culture, the State and Islamism, London: I.B. Tauris, 2003.
- Sarah El-Rashidi, 'Salafist Nour Party condemns Abbas[iy] a killings, denies involvement', Ahram Online, 3 May 2012.
- Ste'phane Lacroix, 'Sheikhs and Politicians: Inside the New Egyptian Salafism', Brookings Doha Center, 2012.
- Thomas Hegghammer, 'Jihadi-Salafis or Revolutionaries: On Religion and Politics in the Study of Islamist Militancy' in Meijer (ed.), Global Salafism.
- Yahya Michot, Ibn Taymiyya Against Extremisms, Beirut: Dar al-Bouraq, 2012.
- Yasir Burhami, Madha nurid fi l-dustur? 'What Do We Want with the Constitution?', Sawt al-Salaf, 20 April 2012.
- Zaghlul Shalata, al-Hala al-salafiyya al-muasira fi Misr, The State of Contemporary Salafism in Egypt, Cairo: Maktabat Madbuli, 2011.

Websites:

- <http://www.arabmediasociety.com/?article=712>. (Last accessed: 17 October 2013.)
- <http://www.egyptindependent.com/opinion/islamists-and-egyptian-revolution>. (Last accessed: 24 January 2013.)

سلفی گری مصری در دوران انقلاب ۲۰۱۳

- http://www.brookings.edu/_/media/research/files/papers/2012/6/07%20egyptian%20salafism%20lacroix/stephane%20lacroix%20policy%20briefing%20english.pdf. (Last accessed: 23 January 2013.)
- <http://www.facebook.com/slafy.althrer>
- <http://egyptelections.carnegieendowment.org/2012/01/25/results-of-egypt%e2%80%99s-people%e2%80%99s-assembly-elections>. (Last accessed: 6 June 2013.)
- <http://weekly.ahram.org.eg/Print/963.aspx>. (Last accessed: 29 January 2013.)
- http://www.youtube.com/watch?v=UMKq9VqYVcg&feature=youtube_gdata_player. (Last accessed: 6 June 2013.)
- <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2012/03/201235224452570454.html>. (Last accessed: 4 June 2013.)
- <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/48292/Egypt/Politics-/Egyptian-Islamist-exMP-receivessuspended-sentence.aspx>. (Last accessed: 29 January 2013.)
- <http://www.medantahreer.com/shownews-23712.php>. (Last accessed: 4 June 2013.)
- <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2013/01/2013114105047960749.html>. (Last accessed: 4 June 2013.)
- <http://www.misrelgdida.com/reporters1/80696.html>, 13 December 2011. (Last accessed: 6 August 2013.)
- <http://www.salafvoice.com/>. (Last accessed: 5 June 2013.)
- <http://www.salafvoice.com/article.php?a=6166&mode=r>. (Last accessed: 5 June 2013.)
- <http://www.guardian.co.uk/world/feedarticle/10040734>. (Last accessed: 29 January 2012.)
- <http://pomed.org/blog/2012/04/nour-party-endorses-abdelmoneim-aboul-futouh-for-president.html>. (Last accessed: 29 January 2013.)
- <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/40752/Egypt/Politics-/Salafist-Nour-Party-condemns-Abbasyia-killings,-de.aspx>. Last accessed: 29 January 2013

- <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/1/64/31543/Egypt/Politics-/Azhar-rallies-Islamists-and-liberalsbehind-democr.aspx>. (Last accessed: 5 June 2013.)
- http://www.ps.au.dk/fileadmin/site_files/filer_statskundskab/subsites/cir/pdf-filer/p3.PDF
- [http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2012/1128/In-Egypt-and-Tunisia-Salafismove-from-prisons-to-parliaments/\(page\)/3](http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2012/1128/In-Egypt-and-Tunisia-Salafismove-from-prisons-to-parliaments/(page)/3)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی